

## تفاوت دیدگاه عرف جامعه با قرآن و حدیث در ویژگی‌های جن

خدیدجه احمدی بیفش<sup>۱</sup>

### چکیده:

یکی از مسائلی که طی قرن‌ها در فرهنگ عموم مردم و بین اقوام گوناگون، ریشه گرفته است، اعتقاد به وجود موجودی نامرئی به نام جن است. اما آنچه در عرف عموم جامعه، درباره این موجود نامرئی وجود دارد به‌جا آنکه واقعیت باشد، به افسانه و خیال و انحراف نزدیک‌تر است. قرآن کریم و روایات با صحه گذاشتن بر وجود موجوداتی نامرئی به نام جن، عقاید و باورهای باطل درباره آن را مردود دانسته و با تبیین حقیقت وجود جن، راه ورود و شیوع هرگونه انحراف اعتقادی و عملی در بین مسلمانان را، درباره این موجود بسته است. اگرچه عناصر وجودی جن با انسان متفاوت است اما هدف از خلقت انسان و جن یکی بوده و شبیه‌ترین موجودات به انسان معرفی شده‌اند؛ لذا تبیین ویژگی‌های حقیقی جن از منظر قرآن و حدیث جهت بازشناسی از معانی و باورهای غلط، افسانه‌ای و تحریف شده، امری لازم و ضروری است. جنیان دارای جنسیت، توالد و تناسل، اختیار، ادراک، مسئولیت و تکلیف بوده و از این‌رو دارای گروه‌های مؤمنین و کفار و مذاهب و فرقه‌های مختلف هستند و به دلیل برخورداری از مجموع این نعمت‌ها، دارای معاد و حشرونشر و حساب خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: جن، ویژگی، قرآن، حدیث، شیطان، موجودات غیبی. خرافات.

با استناد به متون دینی، غیر از جهان مادی و موجودات آلی، عوالم فرامادی و بخش‌هایی از جهان هستی و موجودات آن، که از حوزه ادراک حواس پنج‌گانه ظاهری ما خارج هستند نیز وجود دارند. از صدر اسلام، کفار به دلیل عدم بهره‌مندی از عقل و حکمت، بر رسول خدا ﷺ خرده می‌گرفتند که چرا آن‌ها نمی‌توانند همچون ایشان با چشم سر، عوالم غیب و موجودات آن را مشاهده کنند و به همین بهانه با نفی این موضوعات، آن را امری خلاف قواعد طبیعی می‌دانستند. امروزه نیز تقیید به ظواهر و جلوه‌های مادی توسط برخی چون مادی‌گرایان و اعتقاد به وجود آن چیزهایی که با حس و تجربه قابل‌آزمایش و مشاهده هستند، موجب شده است که بسیاری از انسان‌ها جز به آنچه می‌بینند، اعتقاد نداشته باشند و در نتیجه به باورهای غلط و خرافات اعتقاد و ایمان پیدا کنند. اما قرآن کریم و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام با تبیین دلایل عدم صحت اعتقاد منکران غیب، به تشریح عالم فراماده پرداخته و موجوداتی چون فرشته و جن را به‌عنوان دو نمونه از موجودات عالم غیب مطرح می‌نماید.



اینک جای این سؤال باقی است که با توجه به وجود موجود نامرئی به نام جن، چه ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی را جهت تمییز بین معنای حقیقی و افسانه‌ای این موجود، می‌توان از منظر قرآن و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام برای آنان برشمرد؟!

#### معنای جن در لغت و اصطلاح:

در کتب لغت، واژه «جن» و مشتقاتش به معنی موجود پنهان و نامرئی آمده است؛ مانند «جنت» که به معنی باغی است سرسبز و آباد، و «جنان» یعنی آن دلی که در سینه پنهان است و «جنین» به معنی کودک در شکم، و «مجنون» که به معنی شخصی است که آثار و نشانی از عقل در او دیده نمی‌شود، و «جنه» به معنی سپر که جنگجو سر و گردن خود را با آن می‌پوشاند. (ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۹۳ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۴، ج ۱، ص

از ابو بصیر نقل است که گفت: روزی مولایم امام باقر علیه‌السلام میان گروهی از دوستان و اولیایش در حرم ننشسته بود، که ناگاه طاووس یمانی با جماعتی از اصحاب خود مقابل آن حضرت آمده و به امام علیه‌السلام گفت: اجازه پرسش می‌دهید؟ فرمود: آری پرس. گفت: چرا نام جن؛ جن شد؟ فرمود: زیرا

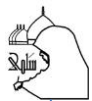
مشتقات واژه جن «جن، جان و جنّه» ۳۲ بار در ۳۱ آیه قرآن ذکر شده که ۲۲ بار از آن اختصاص به خود کلمه "جن" دارد. در بعضی تفاسیر آمده است: واحد «جن» می‌شود «جنّی» مانند «روم» که می‌شود «رومی» و جمع آن برخلاف آنچه زیاد استعمال می‌شود «جنّه» نیست، زیرا «جنّه» جمع «جنین» است نه جن، بلکه جمع آن چنانکه در مجمع‌البحرین طریحی آمده «جنّه» است. همچنین واژه «جان» هفت بار در قرآن کریم آمده است؛ دو دفعه درباره عصای موسی (علیه السلام) و پنج بار در مقابل انسان. و در کتاب «اقترب الموارد» آمده که «جان» اسم جمع «جن» است، لذا هر دو یکی هستند. اما در «مجمع‌البحرین» و «کشاف» و ... گفته شده که جان، پدر بزرگ جن است؟! (طریحی، فخرالدین ۳۶۸۵ تفسیر قرآن نو ۴۶) از مخلوقات دارای عقل و شعور و تکلیف است و چون از نظر ما انسان‌ها ناپیداست، به همین جهت «جن» نامیده می‌شود (و فرق آن با انسان این است که انسان محسوس است و جن غیر محسوس). با توجه به مطالب یاد شده وجود چنین موجودی را مخبر صادق (قرآن) و روایات علنی بیان می‌کنند.

گاه منظور از کلمه «جن» همان «شیطان» است زیرا «جن» همان‌طور که قبلاً گفتیم در اصل لغت به معنی هر موجود ناپیداست و در آیه ۵۰ سوره کهف درباره رئیس شیاطین «ابلیس» می‌خوانیم: "کان من الجن" (او از جن بود). و نیز در آیه ۸۲ سوره انبیاء آمده است: «ما بعضی از شیاطین را مسخر او (سلیمان) قرار دادیم که برایش (در دریاها) غواصی می‌کردند و کارهایی غیر از این برای او انجام می‌دادند...» آنچه در این آیه به‌عنوان شیاطین آمده، در آیات ۱۲ و ۱۳ سوره سبأ به‌عنوان «جن» مطرح شده است و روشن است که این دو با هم منافات ندارد، زیرا می‌دانیم «شیاطین» نیز از تیره «جن» می‌باشند» (مکارم، ناصر، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۳۹؛ همان ج ۱۳، ص ۴۷۵)

### حقیقت جن

با توجه به اینکه آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) دلالت بر وجود جن دارند؛ اینک این

سؤال مطرح می‌شود که حقیقت وجودی جن چیست؟



صدرالمآلهین شیرازی در این باره می‌نویسد:

«جن را وجودی در این جهانِ حس، و وجودی در جهانِ غیب و تمثیل (عالم مثال) است؛ اما وجودشان در این جهان همان‌گونه که بیان شده هیچ جسمی که آن را نوعی از لطافت و اعتدال باشد نیست، جز آن‌که آن را روحی درخور آن، و نفسی که مبدأ فعل بر آن اضافه شده است می‌باشد. و ممکن است که علت ظهور صورت پنهانی (جنی) در برخی اوقات، آن باشد که آنان بدن‌های لطیفی دارند که در لطافت و نرمی متوسط بوده، و پذیرای جدایی و گرد آمدن است. و چون گرد آمده و متکاتف شد، قوام آن سبتر شده و مشاهده می‌گردد؛ مانند هوا، که چون تکاتف یافته و به صورت ابر در آمد، مشاهده می‌گردد، و چون به لطافت خود بازگشت دیده نمی‌گردد. زیرا برخی از اوقات ابر از توده‌های زیاد هوا بدون آن‌که از بخار دریا و جز آن یاری و مدد بگیرد به وجود می‌آید.» (ملاصدرا/۴۵۵)

مرحوم «عاملی» شیطان را از ارواح سفلیه می‌داند، می‌نویسد:

«فخر جمهور ارباب ادیان که پیغمبران را قبول داشته‌اند وجود جن را هم تصدیق کرده‌اند و گروه بزرگی از دانشمندان و هم معتقدین به ارواح، آن را ارواح سفلیه نامیده‌اند.» (عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۵، ج ۱۲، ص ۳۷۱)

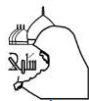
مرحوم خسروانی نیز در این مورد می‌نویسد:

«جن، (در) عالم و جهان دیگری است غیر از عالم ما و از چشم‌های ما مستور است و دیده نمی‌شود و خداوند به حقیقت آن داناتر است و ما از آن جز آنچه حق به ما گفته و معرفی فرموده است و رسول او در خبر صحیح به ما شناسانیده است چیز دیگری نمی‌دانیم و معرفت به آن نداریم. (میرزا خسروانی، علیرضا، ج ۸، ص ۳۹۱)

علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر آیات ۲۶ و ۲۷ سوره حجر می‌فرماید:

«ظاهر مقابله‌ای که میان جمله «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» و آیه بعد «وَالْجَانَّ خَلْقَانَهُ مِنْ قَبْلِ مِنْ نَارِ السَّمُومِ» برقرار شده این است که همان‌گونه که جمله اولی درصدد بیان اصل خلقت بشر است، جمله دومی هم در مقام بیان همین معناست. پس نتیجه می‌شود که خلقت جان در آغاز از آتش زهرآگین بوده است. حال آیا نسل‌های بعدی جان هم مانند فرد اولشان از نار سموم بوده، به خلاف آدمی که فرد اولش از صلصال و افراد بعدش از نطفه او؛ و یا جن هم





مانند بشر است؛ از کلام خدای سبحان نمی‌توان استفاده کرد؛ زیرا کلام خدا از بیان این مطالب خالی است. (طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ص ۲۵۵)

خلقت «جن و شیطان» بر اساس آیات قرآن از نار است، اما این سؤال به وجود می‌آید که منظور قرآن کریم، کدام آتش است؟ آیا همین آتشی که در اثر ترکیب اجسام قابل احتراق با اکسیژن به وجود می‌آید، منظور است یا چیزی شبیه به آن؟ ظاهراً چیزی به غیر از آتش مذکور می‌باشد. پس برحسب آیات قرآن کریم، جن نیز مانند انسان موجودی است مادی، با این تفاوت که انسان از خاک، و جن از آتش است؛ طبعاً همان‌طور که انسان دارای روح است، جن نیز روح دارد؛ و چنین موجوداتی بین روح و بدنشان تأثیرات متقابلی وجود دارد. گاهی انسان غمگین است، این امری است روحی اما موجب لاغر شدن جسم او می‌گردد؛ بدن نیز در روح اثر می‌گذارد چنان‌که برخی غذاها مثل زعفران نشاط‌آور است، یا پس از خوردن غذا و سنگین شدن، خون به مغز کمتر می‌رسد و انسان کمتر نشاط‌اندیشیدن و فکر کردن دارد. پس اگر گاهی روح بخواهد فعالیت‌های ویژه خود را انجام دهد لازم است که جسم، در شرایط خاص بدنی باشد مرتاض‌ها از عکس همین قضیه استفاده کرده‌اند و برای تقویت روحشان مثلاً کم‌غذا می‌خورند و یا کم‌حرکت می‌کنند و حتی کم نفس می‌کشند که صرف‌نظر از حرمت و حلیت آن، بدین‌وسیله با موجودات غیرمادی تماس می‌گیرند و اطلاعاتی کسب می‌کنند، از جمله با جن تماس می‌توانند گرفت. پس بین روح و جسم تأثیر متقابل وجود دارد. همین قانون، در مورد جن که او نیز مادی است؛ صادق است و چنین رابطه‌ای بین روح و بدنش وجود دارد. (مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۰)

علامه مجلسی نیز درباره حقیقت جن می‌فرماید: اختلافی بین مسلمین نیست که جن از اجسام لطیفی است که در برخی از جاها دیده می‌شود و دارای حرکات سریعی می‌باشند، و در مجرای خون بنی‌آدم نیز می‌توانند حرکت کنند. (مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۶۳۵)

## جن از دیدگاه عرف جامعه

بسیاری از اعتقادات و باورها درباره جن، تصویری عامیانه و محلی، آمیخته با انحرافات غلط و باطل است و این باعث شده که تصویر مرسوم از این موجود بیشتر بر اساس وهم و خرافه قرار گیرد، نه آنکه از قرآن و احادیث معتبر دینی، یا تجربه‌های مستند به دست آیند.

تصور بیشتر مردم از جن موجودی فرمان‌بر است. اقدامات خاصی برای جلوگیری از آزارشان و یا احضار آن‌ها انجام می‌شود. آنان جن را هم‌شکل انسان دانسته، با این تفاوت که پاهایش مانند بز، سم داشته و تنها در شب، تاریکی، تنهایی و در محل‌هایی مانند گرمابه، آب‌انبار، پستو، ویرانه و بیابان وجود دارند. مژه‌های دراز او نیز با مژه انسان متفاوت و رنگ موی او بور است. هم‌زمان با زاده شدن هر نوزاد انسان، بین جن‌ها نیز نوزادی به دنیا می‌آید که شبیه نوزاد انسان، اما سیاه، لاغر و زشت بوده و این موجود را همزاد آن کودک می‌خوانند.

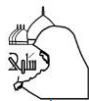
این افراد با نام‌های خاص مثل "ازمابهران" این موجود نامرئی را یاد می‌کنند و از احضار ناخواسته آن‌ها که به دلیل ذکر نام آنان است جلوگیری نمایند. همچنین سوت زدن، تحریک آن‌ها با پرتاب سنگ، ریختن خاکستر یا آب گرم بدون ورد لازم، سوزاندن تخم‌مرغ و پوست پیاز باهم و یا کارهایی مانند چارو زدن بی‌مورد در شب باعث احضار عامه مردم معتقدند اگر کسی شب‌هنگام آب جوش روی زمین ریخته و بسم‌الله نگوید ممکن آن‌ها می‌شود. است یکی از فرزندان جن را اذیت کرده باشد، در نتیجه مادر و پدر آن جن برای انتقام، نوزاد آن شخص را می‌ربایند و همزاد او را به جایش می‌گذارند.

این افراد همچنین باور دارند بعضی از زمان‌ها در هفته گزند جن‌ها افزایش می‌یابد مخصوصاً روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه که از مابهران به لباس و صورت آدمیزاد درمی‌آیند؛ لذا در این روزها نباید به دیدن بیمار رفت، چه‌بسا که از مابهران به شکل یکی از دوستان یا بستگان به دیدن بیمار بروند و به او آسیب برساند.

این دسته از عرف جامعه معتقدند که جن‌ها مانند آدمیان جشن و سرور و شادمانی و گاهی هم سوگواری به راه می‌اندازند. این مراسم بیشتر در شب‌هنگام برگزار می‌شود. کسی که شب تنها به حمام برود و دائم بسم‌الله نگوید جن به سراغ او می‌آید. اگر کسی در تاریکی تنها به حمام برود و بی‌احتیاطی کند، ناگاه متوجه می‌شود که دورادور او را جن‌ها گرفته‌اند، یا یکی دو جن در گوشه و کنار حمام مشغول شستشو هستند.

جنیان نخست با مهربانی نزدیک می‌شوند، اما اگر انسان با نگاه کردن به پاهایشان که سم دارد، ایشان را بشناسد، آن‌وقت به آزار او سرگرم می‌شوند. از مابهران اهل رقص، موسیقی و شادی‌اند. اگر کسی را بین خود ببینند او را وامی‌دارند تا آن‌قدر برقصد که دیوانه شود. با دمیدن صبح صادق،





جن‌ها ناپدید می‌شوند. اما هنگام روز نیز اگر کسی در حمام آب بخورد و کف دست چپ خود را روی سر نگذارد، جن به بدن او وارد شده، دیوانه و غشی خواهد شد.

این عده‌ای بر این باورند که آسیب‌پذیرترین قربانیان جن‌ها، زنان در بستر زایمان و نوزادانشان هستند. از نظر آنان خطرناک‌ترین جن‌ها، که «آل» نام دارد، موجودی نامریی به شکل زن لاغر و بلندقد با سینه‌های آویخته بوده و در صورت سرخ‌رنگ آل، بینی‌ای از جنس گل قرار دارد. آل رویوی زن زائو و نوزادش حاضر می‌شود و اگر فرصت یافت و زائو تنها ماند جگر او را می‌رباید. سپس به سرعت به طرف آب رفته و جگر زائو را به آب می‌زند. زائو بلافاصله می‌میرد.

جن یا آل و یا ازما بهتران از چیزهای فلزی نوک‌تیز می‌ترسند. فرو کردن سوزن در پارچه‌ای و گذاشتن بالای سر زائو برای دفع آن‌ها خوب است به همین دلیل مادر و نوزاد وی نباید در دو هفته اول زایمان تنها بمانند. این گفته‌ها در حالی است که تاکنون زنان بسیاری در نقاط مختلف جهان به علت شرایط خاص به تنهایی زایمان کرده‌اند، بی‌آنکه چنین مشکلاتی متوجه آن‌ها باشد.

این گروه از عرف جامعه، اغلب آسیب‌های وارده از طرف جن به انسان را، اختلالات عصبی، مخصوصاً صرع دانسته، به‌گونه‌ای که جن به داخل بدن فرد وارد شده و شخص حالت جسمی خاصی را در بدن خود تجربه می‌کند. به‌زعم آن‌ها، درمان کسانی که جن‌زده شده‌اند فقط با دعا امکان‌پذیر نیست بلکه بعضی اوقات وی را می‌بندند و وحشیانه وی را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند تا جن از بدن وی خارج شود. برای نوع خاصی از جنون که گفته می‌شود توسط جن ایجاد شده به دعانویس رجوع می‌کنند که مدعی است داروهای خاصی برای درمان آن افراد وجود دارد که جن به آن‌ها دقیقاً می‌گوید چگونه بیماری‌های ایجاد شده توسط آن‌ها را درمان کنند و چه چیزهایی را به‌عنوان دارو مصرف کنند.

این اعتقادات باطل و خرافی در حالی توسط عده‌ای از عرف جامعه پذیرفته و به اجرا در می‌آیند که قرآن و احادیث وارده از اهل بیت (علیهم‌السلام) اعتقاد و دیدگاه دیگری به این موجود نامرئی دارند.

## جن از دیدگاه قرآن و حدیث

قرآن کریم در شانزده سوره، از جن سخن گفته است. در آیات قرآن با سه واژه «الجن»، «جان» و «الجنه» به مطالبی درباره جن اشاره شده است. که در هفده آیه، جن همراه با انسان ذکر

شده است. اختصاص یک سوره قرآن به نام جن و آیات متعدد در سوره مختلف، نمایانگر اهمیتی است که قرآن به این موضوع داده است. با استناد به بسیاری از آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) ثابت می‌شود که وجود جن و شیطان یک پندار و توهم نیست، بلکه یک واقعیت و امری مسلم است که در برخی موارد نیز تشابهاتی با انسان دارد، چنان‌که در دیگر ادیان الهی نیز به این موضوع پرداخته شده است. مهم‌ترین مشخصاتی که برای جن در قرآن و حدیث، به‌منظور بازشناختی از معنا و باور غلط و افسانه‌های آن، ذکر شده‌اند عبارت‌اند از:

### ویژگی اول: خلقت از شعله آتش

«وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ»: و جنیان را از زبانه آتش بی دود آفرید. (الرحمن/۱۵)

گویند مارچ آتشی است که زبانه سرخ و زرد و سبز آن به یکدیگر آمیخته گردد بعد از بلندی و تیزی آن. مأخوذ از مرج‌الدین والامر اذا اضطرب و اختلط و در باب نهم از سفر ثانی فتوحات مکیه مذکور است که مارچ آتشی است ممتزج به هوا که آن را هوای مشتعل گویند، پس جان مخلوق است از دو عنصر که آتش و هواست و آدم آفریده شده از دو عنصر آب و خاک. (کاشانی، ملافتح‌الله، ج ۹، ص ۱۲۱)

از ابن عباس نقل شده است که: ابلیس از یکی از تیره‌هایی است که آن‌ها را جن می‌گویند و آن‌ها از میان فرشتگان از آن آتش مخصوص آفریده شده‌اند و جنیانی که در قرآن از آن‌ها یاد شده، از شعله آتش خلق شده‌اند. (طبرسی، فضل بن حسن، ج ۱۳، ص ۱۸۴)

در کتاب السماء و العالم بحار الانوار آمده است که جن را از آتش آفریده‌اند و دلیلش قول خدا تعالی است: «و جان را آفریدیم پیش از آن از آتش زلال» و خدا تعالی از گفته ابلیس می‌فرماید: «مرا آفریدی از آتش و او را آفریدی از گل». (مجلسی، محمدباقر، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۲۶۲)

### ویژگی دوم: خلق جن پیش از خلق انسان

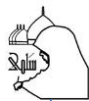
«وَ الْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ»: و طایفه جنیان را پیش‌تر از آتش گدازنده خلق

کردیم. (حجر/۲۷)

در مجمع‌البیان آمده است که شیطان را پیش از آدم، از آتشی آفریدیم که بادی گرم و کشنده، تولید می‌کرد. برخی گویند: یعنی آتشی که دود ندارد و صاعقه‌ها از همان است. (طبرسی، فضل بن







حسن، ج ۱۳، ص ۱۸۴) علامه مجلسی در سماء العالم، بحار الانوار از حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) روایت کرده: هفت هزار سال قبل از خلقت آدم، بر روی زمین دو طایفه زندگی می‌کردند، طایفه جن و طایفه نسناس؛ نسناس طایفه‌ای بودند که قدری به انسان شباهت داشتند و دارای یک دست و یک پا و به جای دهان، منقار داشتند و مانند چارپایان می‌چریدند، اغلب این دو طایفه، در جنگ و نزاع بودند اما فساد و سرکشی جنیان بیشتر بود و خداوند جمعی از فرشتگان را به جنگ آنان فرستاد، در این جنگ جمع کثیری از جنیان کشته شدند جمعی نیز اسیر و تعدادی نیز به جنگل‌ها و صحراها گریختند. به اذن خداوند کودکان و خردسالان و زنان و مؤمنین جنیان، امان داده شدند. یکی از کودکان جنیان بنام «عزازیل»، شیطان لعنت‌الله علیه بود که خداوند دو فرشته را مأمور نگهداری و تربیت او نمود. فرشتگان، او را به آسمان‌ها بردند، شیطان به واسطه‌ی تعلیماتی که گرفته بود و کثرت عبادت و بندگی خدا، به درجه و مقامی رسید که همچون فرشتگان مقرب درگاه الهی گردید ولی پس از شش هزار سال عبادت، هنگامی که حضرت آدم خلق گردید تمام فرشتگان که شیطان نیز در بین آنان بود، بر آدم سجده نمودند ولی شیطان، به خاطر خباثت و شرارت نهفته در ذاتش، از امر خداوند سرپیچی کرد. (مجلسی، محمدباقر، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۲۱۲)

همچنین جابر بن یزید جعفی گفت: حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: جابر! خدا بود درحالی که هیچ چیز با او نبود نه معلوم و نه مجهول اولین موجودی که آفرید محمد مصطفی (علیه السلام) بود ما اهل بیت را با او آفرید از نور خود ..... و بعد از ذکر آفرینش مکان، عرش، بهشت، جهنم و ملائکه می‌فرماید: آنگاه خداوند هوا را آفرید سپس جن را آفرید و آن‌ها را ساکن هوا نمود و از ایشان پیمان گرفت برای خود به ربوبیت، و برای محمد (صلی الله علیه و آله) به نبوت، و برای علی به ولایت، هر که اقرار نمود اکنون اقرار دارد و هر که انکار کرد اینک انکار دارد. اولین کسی که انکار نمود ابلیس بود خدا او را لعنت کند کار او منتهی به شقاوت گردید و وضعی که اکنون دارد؛ و امام (علیه السلام) بعد از اشاره به خلقت زمین و آسمان می‌فرماید: سپس خداوند آدم را آفرید از پهن‌دشت زمین قیافه‌اش را آراست و در او از روح خود دمید آنگاه ذریه او را از نهادش خارج کرد و از ایشان پیمان گرفت به ربوبیت خود و نبوت محمد و ولایت علی هر که خواست اقرار کرد و هر که خواست انکار نمود. (مجلسی، محمدباقر، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۱۷)

## ویژگی سوم: برخورداری از قوه ادراک و استدلال و تشخیص حق از باطل

«قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا»: بگو به من وحی شود که جمعی از جن به سخنانم گوش فرا داده‌اند و گفته‌اند ما قرآن عجیبی شنیده‌ایم. (جن/۱)

طایفه‌ی جن دارای عقل و شعور و فهم و درک و تکلیف و مسئولیت بوده و آشنایی به لغت و توجه به فرق بین کلام اعجاز آمیز دارند، همچنین خود را موظف به تبلیغ حق می‌دانند. (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۵، ص ۱۰۲)

«وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا»:

و ما در آنجا (آسمان) در نشست‌گاه‌هایی برای شنیدن (اخبار آسمانی) می‌نشستیم اما هر که اکنون گوش فرا دارد خود را در کمین شهابی بباید. (جن/۹)

در ذیل این آیه در تفسیر نمونه آمده است که: سپس مؤمنان جن به یکی از نشانه‌های صدق گفتار خود که در جهان طبیعت برای همه جنیان قابل درک است، اشاره کرده، می‌گویند: ما آسمان‌ها را جستجو کردیم و همه را پر از نگهبان و محافظان قوی و تیرهای شهب یافتیم. (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۵، ص ۱۱۱)

«وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا»: و ما می‌دانستیم که هرگز خدای را در زمین ناتوان نتوانیم ساخت و با گریختن (از عذاب او) ناتوانش نتوانیم کرد. (جن/۱۲)

مؤمنان جن در ادامه‌ی سخنان خود به دیگران هشدار می‌دهند و می‌گویند: ما یقین داریم که هرگز نمی‌توانیم بر اراده‌ی خداوند در زمین غالب شویم و نمی‌توانیم از پنجه‌ی قدرت او فرار کنیم. نه می‌توان غالب شد و نه می‌توان از عدالت گریخت پس بهتر آن است که تسلیم شویم. (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۵، ص ۱۱۶)

«... يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ...»: ... (گویند) ای گروه پریان از آدمیان

بسیاری را پیرو خود گرفتید. (انعام/۱۲۸)

جنیان در برخورداری از قدرت استدلال و درک و تشخیص حق از باطل آن‌چنان هستند که حتی در بین خود قاضی هم دارند چنان‌که در روایت آمده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) روزی بر فراز منبر کوفه مشغول نشر احکام و اخلاق بود ناگهان ازدهایی (مار بزرگی) از پله‌های منبر بالا رفت تا خود را به آن حضرت نزدیک کرد مردم به وحشت افتاده و خواستند او را از مولی علی (علیه السلام) دور کنند





حضرت آن‌ها را امر به آرامش فرمود: ازدها خود را به پله رسانید که علی (علیه السلام) آنجا ایستاده و به پند و اندرز مردم مشغول بود حضرت خود را منحنی کرد تا بجایی که دهان آن حیوان نزدیک گوش علی (علیه السلام) رسید از این پیش آمد سکوتی در مسجد حکم فرما شده و همه متحیر که سرانجام کار به کجا خواهد کشید در آن وقت آن حیوان صدایی برآورد که بسیاری از حاضران شنیدند و از محل خود دور شد علی (علیه السلام) لب‌های خود را حرکت می‌داد و مار به سخنان آن جناب که دیگران نمی‌شنیدند گوش می‌داد چون بیانات علی (علیه السلام) به پایان رسید مار به سرعت از جای حرکت کرد و زمین او را به خود فروبرد.

علی (علیه السلام) پس از رفتن آن حیوان باز شروع به خطبه خواندن کرد و خطبه را به پایان آورد چون از خطبه خواندن آسوده خاطر شد و از منبر به زیر آمد گرد او جمع شدند از ازدها و پیش آمد عجیب او سؤال کردند حضرت فرمود این مار چنان نبود که شما پنداشتید بلکه او یکی از قاضیان جن بود مسئله مشکلی برای او پیش آمد کرد و از حل آن عاجز ماند نزد من آمد و آن مسئله را به عرض رسانیده تا پاسخ آن را بشنود من هم جواب صحیحش را بیان کردم دعا خیر کرد و رفت. (ساعدی خراسانی، محمدباقر، ۱۳۸۰، ص ۳۳۸)

### ویژگی چهارم: تکلیف و مسئولیت

«ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» «ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای آنکه (خدا را) عبادت و پرستش نمایند.» (ذاریات/۵۶)

مسلم است که خداوند عادل هیچ کاری را بیهوده انجام نداده است و خلقت جن نیز از این قاعده مستثنا نیست. قرآن مجید علت خلقت جن را نیز همان علت آفرینش انسان می‌داند که عبادت می‌باشد و در مقابل عبادت نیز به آنان پاداش خواهد داد. در آیه دیگری آمده است:

«يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ» «ای گروه پریان و آدمیان، آیا پیامبرانی از جنس خودتان به‌سوی شما نیامدند که آیات مرا بر شما می‌خواندند و شما را از دیدن این روزتان بیم می‌دادند؟ گویند: ما بر خویشتن گواهی می‌دهیم و زندگی دنیا آن‌ها را فریفت و بر خویشتن گواهی دادند که کافر بودند.» (انعام/۱۳۰)

حکایت آیات بر جن، نشانه‌ی اختیار اوست بر رد یا قبول، آن چنانکه نفس وجود پیامبران و بعثت آنان نیز خود دلیل بر مختار بودن جن و انس است.

جنس پیامبران از آدم است اما عبارت "أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ" به سبب تغليب، آمده است. به اتفاق امت، حضرت رسالت ﷺ بر جن و انس مبعوث بوده است. در تفسیر جرجانی مذکور است که به اجماع، حق تعالی هیچ جنی را به جنیان به رسالت نفرستاد که وحی به او کرده باشد. (کاشانی، ملافتح‌الله، ۱۳۴۴، ج ۳، ص ۴۵۲)

به گفته‌ی برخی مفسران همچون آلوسی، قرطبی، طبرسی، رسولان جن وحی را از طریق رسولان انس دریافت می‌کرده و به نژاد خود می‌رساندند. (قرائتی، محسن، ج ۳، ص ۳۹۶)

وجود انبیاء و ائمه و پیشوایان در طایفه جن نه تنها نیاز نبود بلکه احتیاج هم نداشتند زیرا برای طایفه‌ی جن این امکان وجود داشت که با انبیاء و اوصیاء تماس بگیرند و اخذ احکام کنند و عارف به لسان همه آنها بودند. بلی در میان آنها البته دانشمندانی بودند که جهال آنها را هدایت کنند و حجّت بر آنها تمام کنند و راه عذر بر آنها بسته شود بلکه اخذ احکام بر آنها سهل‌تر از انس است. به طرفه‌العین می‌توانستند خدمت انبیاء و ائمه مشرف شوند یا در مجالس علما اعلام حاضر شوند و فراگیرند. بلی در میان آنها اکابر و اصاغر و رئیس و مرئوس و قوی و ضعیف و سلطان و رعیت هست و قضیه‌ی عفریت جنّی و حضرت سلیمان و قضیه‌ی عملی جن بر حضرت سلیمان و قضیه‌ی زعفر با اتباعش خدمت ابی‌عبدالله و آمدن شیطان در دار اندوه مشرکین و بسیار از قضایای دیگر شاهد بر این موضوع است. بلکه در باب نبوت اول شرط نبی این است که از جنس بشر باشد. جن قابلیت نبوت ندارد و آیات شریفه‌ی قرآن بر این معنی شاهده‌ی قوی است و پیغمبر اکرم مبعوث کافه‌ی جن و انس بود. (طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۱، ج ۱۳، ص ۲۳۱-۲۳۲)

از این آیه معلوم می‌شود که پیامبران الهی گر چه همه از انسان‌ها بودند اما مبعوث بر آدم و جن شدند، بنابراین اگر این دو موجود از پیام و دستورات پیامبران اطاعت کنند پاداش خواهند گرفت و اگر سرپیچی کنند به عقوبت می‌رسند.

در تفسیر نور نیز آمده است که: شیطان از جن است و جن مکلف و مختار است و کیفر و پاداش دارد. (قرائتی، محسن، ج ۳، ص ۳۹۳)



## ویژگی پنجم: اشتغال گروه جنیان بر مؤمنین صالح و کفار

گروه جنیان به دو طایفه تقسیم می‌شوند، یک طایفه آن‌هایی که تسلیم امر خدا و مطیع او هستند و طایفه‌ی دیگر کسانی که از تسلیم شدن برای امر خدا به این‌که حق است عدول کرده و منحرف شدند.

« وَ أَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا »<sup>۱</sup> و آن‌که برخی از ما مسلمان‌اند و برخی از ما بیدادگرند، پس هرگاه اسلام آورد آن گروه اختیار کردند راه راست را.<sup>۲</sup> (جن/۱۴)

مراد از کلمه "مسلمون" این است که ما تسلیم امر خداییم، پس "مسلمون" کسانی‌اند که امر را تسلیم خدا کردند، و در هر چه بخواهد و دستور دهد مطیع او هستند. و مراد از کلمه "قاسطون" مایلین به سوی باطل است.<sup>۳</sup> (طباطبایی، محمدحسین، ج ۲۰، ص ۷۰) و کلمه (تحری) در جمله «فمن أسلم فأولئك تحروا رشدا» (جن/۱۴) در مورد هر چیزی استعمال شود به معنای گشتن برای جستن آن است و معنای جمله این است که کسانی که تسلیم امر خدا شدند، آن‌ها در صدد یافتن واقع و ظفر جستن به حق برآمدند.

همچنین در سوره جن آیه ۱۱ آمده است:

« وَ أَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا »<sup>۴</sup> «همانا از ما برخی نیک و شایسته‌اند و برخی جز این، ما گروه‌هایی به راه‌های گوناگون بودیم.» (جن/۱۱)

بر اساس این آیه شریفه خداوند علاوه بر این‌که مشخص می‌نماید که اصل اختیار و آزادی اراده نیز بر جنیان حاکم است. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۱۱۵) آنان را به دو دسته صالحان و غیر صالحان تقسیم نموده است. در این آیه شریفه طرائق جمع طریق، در توجیه (طرائق قددا) چند وجه نقل شده است: ۱. جنیان رنگ‌های مختلف دارند. ۲. در نوع متعدد و مختلف هستند. ۳. شعب و فرقه‌های مختلف دارند. ۴. مذاهب مختلف از جمله جبری، قدری، مرجئی دارند.<sup>۵</sup> (امین، نصرت، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۱۴۳)

آیه دیگری که دلالت بر ایمان اختیاری گروه جنیان دارد آیه سیزدهم همین سوره است: «وَ أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا»<sup>۶</sup> (چون رهنمونی (به راه راست)



را شنیدیم به آن ایمان آوردیم که هر که به پروردگار خویش ایمان آورد نه از کاستی (در پاداش) ترسد و نه از ستم (در کیفر) (جن/۱۳)

مؤمنان جن در کلام خود می‌گویند: ما هنگامی که هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم، هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد نه از نقصانی می‌ترسد و نه از ظلم.

مؤمنان هر کار کوچک و بزرگی (عمل صالح) انجام دهند، اجر و پاداش را بی کم‌وکاست دریافت می‌کنند. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۱۱۶)

و همچنین آیه دوم این سوره مبارکه: «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَ لَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا»: [که] به راه راست هدایت می‌کند. پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگاران قرار نخواهیم داد» (جن/۲)

این جمله از ایمان جنیان به قرآن و تصدیق آن به این که حق است خبر می‌دهد، و جمله " وَ لَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا"، ایمانشان به قرآن را تأکید می‌کند و می‌فهماند که ایمان جنیان به قرآن همان ایمان به خدایی است که قرآن را نازل کرده، در نتیجه رب ایشان هم همان خداست، و ایمانشان به خدای تعالی ایمان توحیدی است، یعنی احدی را ابدأ شریک خدا نمی‌گیرند. (طباطبایی، محمدحسین، ج ۲۰، ص ۶۱) این آیه همچنین دال است بر آن که حضرت رسالت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حقیقت جاز و اینس موضوع می‌توان نتیجه‌ی جالبی گرفت و آن این است که اگر بعثت پیامبران و اولیای الهی بر همه جن و انس می‌باشد، پس جنیان نیز مانند انسان‌ها دارای اختیار می‌باشند و با میل خود، همراه استدلالات عقلی می‌توانند دین انبیاء الهی را قبول یا رد نمایند. حال آن عده‌ای که به پیامبر الهی ایمان آورند و اعمال نیک انجام دهند مانند انسان‌ها پاداش می‌گیرند و آنان که از فرامین سرپیچی نمایند به عذاب سخت الهی دچار خواهند شد.

«أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدِ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ»: «اینانند که آن گفتار (وعده عذاب) بر آن‌ها در زمره گروه‌هایی از پریان و آدمیان که پیش از آن‌ها بگذشتند سزا گشت، همانا ایشان زیان‌کار بودند.» (احقاف/۱۸)

بر طبق این آیه کافران جن نیز همان عقاب آدمیان را دارند.

«وَ أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا»: «و چنان‌که شما پنداشتید آن‌ها نیز پنداشتند

که خداوند هرگز کسی را برنینگیزد.» (جن/۷)



و جنیان هم مانند شما آدمیان گروهی کافر شده و گمان کردند که خدا احدی را در قیامت زنده نخواهد کرد.

یعنی مؤمنین جن به کفارشان گفتند که کفار آدمیانی که در عصر جاهلیت پناه به مردانی از جنیان می‌بردند پنداشتند چنانچه شما ای گروه جنیان خیال کردید که هرگز خدا بعد از عیسی و موسی پیامبری مبعوث ننموده است و گذشته از این جنیان با تمرد و طغیانشان چون قرآن را شنیدند ایمان آوردند و به آن هدایت شدند. (طبرسی، فضل بن حسن، ج ۲۵، ص ۳۴۷)

### ۱-۵- جنیان مسلمان و مشرک، شیعه و سنی دارند

آنچه از آیات و روایات برمی‌آید این است که گروه جن نه‌تنها مسلمان و کافر دارند بلکه دارای فرقه‌های شیعه و سنی نیز می‌باشند. داستان ایمان آوردن گروه جن پس از شنیدن آیات قرآن از پیامبر در بازار عکاظ شاهدهی بر این مدعا است.

در کتاب میزان‌الحکمه حکایتی نقل شده که بیان می‌دارد گروه جن نیز دارای شیعه و سنی می‌باشند. متن روایت چنین است: «عن ابی حمزة الثمالی قال: كنت استأذن علی ابی جعفر علیه السلام فقیل: انّ عنده قوماً فأتیت قليلاً حتّی یخرجوا فخرج قوم انکرتهم و لم اعرفهم ثمّ اذن فدخلت علیه فقلت: جعلت فداک هذا زمان بنی امیه و سیفهم یقطر دماً؟ فقال یا ابا حمزه هؤلاء و قد شیعتنا من الجن جاءوا یسألوننا عن معالم دینهم.» «روزی جهت شرفیابی به حضور امام باقر علیه السلام اجازه خواستم. گفتند که عده‌ای خدمت آن حضرت هستند، لذا اندکی صبر کردم تا آن‌ها خارج شوند. پس کسانی خارج شدند که آن‌ها را نمی‌شناختم چون اجازه‌ی ورود گرفتم، داخل شدم و گفتم: فدایت شوم، الآن زمان بنی امیه است و شمشیر آن‌ها خون‌ریز است (یعنی ممکن است آن‌ها جاسوس باشند و ورودشان برایتان خطرناک باشد) امام علیه السلام فرمودند: ای ابا حمزه، اینان گروهی از (شیعیان) از طایفه‌ی جن بودند، آمده بودند تا از مسائل دینی خود سؤال کنند. (محمدی ری‌شهری، محمدحسن، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۸)

برخی مفسرین معتقدند که مسلمانان جنی نیز مانند انسان‌ها به فرقه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند به‌عنوان مثال در تفسیر (خسروی) آمده است: «وسدی گفته است که جن هم مانند شما

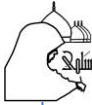


مسلمان‌اند. قدریه و مرجئه و رافضه و شیعه و سنی و غیره دارند. (خسروانی، علیرضا، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۳۹۶)

هم‌چنین مقدار اسود الکندی بر امر ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در برابر ابوبکر این‌گونه می‌گوید:

میدانی که علی بن ابی‌طالب به حکم خدای عزیز جبار و امر رسول مختار صاحب این امر و کار است. زیرا که حضرت نبی‌المحمود مکرر در ایام حیات خود فرمود که علی بعد از من ولی حضرت مهیمن و وصی من و امام تمامی انس و جن است باید که تسلیم امر ولایت به حضرت ابوالأئمه علی بن ابی‌طالب علیه السلام نمائی. (غفاری مازندرانی، نظام‌الدین احمد، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۵)

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: علی از من است و من از علی هر که او را دوست دارد مرا دوست داشته؛ دوستی علی نعمت است و پیروی او فضیلتی است که فرشتگان بدان معتقدند و صالحان جن گرد اویند. (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۹)



## ۲-۵- جنیان به وسیله قرآن از شرک دست کشیدند و مسلمان شدند

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» (جن/۵) می‌فرماید: «این آیه اعتراضی است از جنیان به این‌که خیال کرده بودند انس و جن هر چه می‌گویند راست است، و هرگز علیه خدا دروغ نمی‌گویند. در نتیجه وقتی برخوردند به مشرکین و شنیدند از ایشان که نسبت داشتن زن و فرزند به خدا می‌دهند باور کردند، و آن وقت به آن نسبت‌های ناروا ایمان آوردند، در نتیجه مثل خود آنان مشرک شدند، و همچنان در شرک بودند تا این‌که قرآن را شنیدند و حقیقت برایشان روشن گردید، و این اعتراف جنیان در حقیقت تکذیب مشرکین جنی و انسی است.» (طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۶۱، ج ۳۹، ص ۱۹۵)

اما داستان ایمان آوردن آنان به اسلام این‌گونه بود که قبل از اسلام، شیاطین و گروه جن اجازه داشتند به آسمان‌ها بروند و عده‌ای از آن‌ها در آسمان‌ها به استراق سمع می‌پرداختند. در تفسیر مجمع‌البیان در ذیل آیه شریفه‌ی: «وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ» (شهاب مبین) (حجر/۱۷-۱۸) از ابن عباس روایتی آمده است که در جاهلیت کاهنانی بودند که هر یک را شیطانی بود، این شیطان‌ها در جاهایی کمین می‌کردند و صدای فرشتگان را از آسمان استماع





می‌کردند، آنچه می‌شنیدند درباره حوادث کره زمین بود، سپس نزد کاهنان می‌آمدند و آنچه می‌شنیدند در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند، پس از بعثت عیسی (علیه السلام) از سه آسمان و پس از بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از همه آسمان‌ها منع شدند از این‌پس نگهبانی آسمان‌ها به ستارگان سپرده شد تا به وسیله شهاب‌ها جلوی شیاطین را بگیرند.

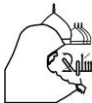
معنی ظاهر آیات چنین است که، در آسمان که عبارت از جهت بالای زمین است برج‌ها و قصرها که همان منزل‌های آفتاب و ماه است قرار دادیم، و آن را یعنی آسمان را برای بینندگان به زینتی آراستیم و آن زینت همان نجوم و کواکب است و نیز ما آن را یعنی آسمان را از هر شیطان رانده‌شده حفظ کردیم، و از این حفظ کردیم که شیطان‌ها از آنچه که در ملکوت عالم است خبردار نشوند، مگر آن شیطانی که برای استراق سمع نزدیک شود تا گفتگوی ملائکه را درباره غیب و حوادث آینده و امثال آن را بشنود که به محض نزدیک شدن شهابی مبین دنبالش می‌کند.

گروه جن دیدند که مدتی است به آسمان راهی ندارند و به محض نزدیک شدن به آسمان شهابی به تعقیب آن‌ها می‌پردازند. با هم گفتند که حتماً در عالم اتفاق جدیدی افتاده است بنابراین تصمیم گرفتند که بگردند تا علت را دریابند. در تفسیر مجمع‌البیان آمده است: ابن عباس روایت کرده که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای خصوص جن قرآن نخوانده بود و اصلاً در این جریان جن را ندیده بود بلکه به اتفاق طایفه‌ای از اصحاب خود راه افتادند تا به بازار عکاظ رسیدند، و این در ایامی بود که جنیان از صعود به آسمان ممنوع شده بودند، دیگر خبرهای آسمان به ایشان نمی‌رسید و شیطان‌ها یکدیگر را دیده بودند که چه پیش آمده؟ گفتند دیگر دست ما به خبرهای آسمان نمی‌رسد، هر کس از ما بخواهد بالا برود شهاب را به سرکوبی او می‌فرستند، و بعد از بگومگوها به این نتیجه رسیدند که حتماً در عالم حادثه‌ای رخ داده، باید مشرق و مغرب عالم را بگردید و علت این را پیدا کنید.

آن روز که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سوی بازار عکاظ روانه بود، طایفه‌ای از جن برای جستجوی آن علت به سرزمین تهامه آمده بودند، و از جلو رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گذر کردند، درحالی‌که آن جناب مشغول نماز صبح بود، همین‌که صوت قرآن را از آن جناب شنیدند ایستادند تا خوب گوش دهند. سپس گفتند: حادثه همین است، این است که بین ما و اخبار آسمانی حائل شده؛ بدون درنگ نزد قوم خود برگشتند و گفتند: «إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا»

(جن/۱-۲) خدای تعالی بعد از این جریان به رسول خود وحی کرد که به امتت بگو که چنین و چنان شده: **قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا** (جن/۱)  
 بنابراین گروه جن نیز از شرک دست کشیده و به اسلام گرویدند. (رجالی تهرانی، علیرضا، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸-۱۱۰)

حضرت علی (علیه السلام) در احتجاج با یک یهودی در مورد برتری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به حضرت سلیمان این چنین می فرماید: احسان حضرت قادر سبحان نسبت به رسول آخرالزمان زیاده از آن است زیرا که دیوان مسخر سلیمان تمامی آن شیاطین مقیم بر کفر و عصیان بودند و حضرت واهب منان دیوان را از جهت اقرار به نبوت خاتم پیغمبران مسخر به ایمان گردانید لهذا از طوایف تسعه جنیان و اشراف ایشان به واسطه اطاعت و بندگی ایزد دیان به خدمت نبی الانس والجان آمدند یکی از آن جنیان از نصیبین و هشت نفر دیگر از بنی عمرو بن عامر از آنچه بودند من از آنجا گذشتم و آن جماعت را دیدم و این طایفه آن جماعت اند که حضرت خدای تبارک و تعالی در قرآن لازم الاذعان در حق ایشان می فرماید که: **وَ إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ** (احقاف/۲۹) و ایشان نه نفرند در آن زمان حضرت رسول قادر سبحان در بطن نخل اقامت داشتند چون اعیان و اشراف جن به خدمت رسول حضرت، ذوالمنن مشرف گشتند حضرت نبی ایزد مجید از آن طایفه پرسید که چرا دیر آمدید ایشان شروع در معذرت کردند و گفتند: **وَ أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا** یعنی آن جماعت گفتند: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) گمان ما جنیان چنان بود که هنوز حضرت ایزد متعال رسول هادی به جهت هدایت امت ارسال نمود چون تحقیق ما گردید که حضرت واهب متعال شما را الحال به واسطه ارشاد و هدایت ارباب ضال ارسال داشته به خدمت رسیدیم تا از شرف صحبت کثیر المنفعت تو ای سید البریه مشرف گشته تعلیم آداب شرع و ملت تو را فرا گرفته به اوطان خود مراجعت کرده اقوام و اقربای خود را ما هر یک تعلیم و ارشاد نماییم حضرت نبی الرحمه (صلی الله علیه و آله) فرمود شما هر یک باید که معاودت به منازل خویش نموده تبعه و عشایر و اقوام خود را برداشته حاضر شوید حسب الفرموده عمل نموده به سرعت تمام، هر یک اقوام خود را برداشته تا هفتاد هزار نفر به خدمت سید البشر آمده مبیعت به آن حضرت نمودند و تعلیم آداب روزه و نماز و زکات و حج بیت الله الحرام و جهاد کفره لثام و نصایح اهل اسلام گرفتند و معذرت که به عرض اشراف آن حضرت رسانیدند آن بود که گفتند: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) این اقوام ما تمامی گمراه گشتند و طریق شرک و کفر



برداشتند و نسبت فرزند و زن به حضرت و اهب ذوالمنن می‌دادند بحمدالله و حسن توفیقه از شرف دریافت صحبت با سعادت تو ای نبی‌الرحمه به ادراک دین و ملت مستسعد شدند آنگاه حضرت ولی‌الله گفت: ای یهودی این احسان و امتنان از حضرت قادر سبحان نسبت به خاتم پیغمبران به مراتب افضل و ازید از آن است که نسبت به حضرت سلیمان واقع شد بعد از آن فرمود که سبحان‌الله منزّه و مبراً خالق که به واسطه اثبات نبوت و اظهار رسالت محمد ﷺ بعد از آنکه شیاطین و جن و غیرها متمرّد از حکم و فرمان اکثر انبیا و رسولان بودند مطیع و مسخر آن نبی‌الانس والجان گردانید و زعم و گمان شیاطین چنان است که حضرت ایزد از کسی متولد گردید لهذا قادر مجید آن حضرت را بر جن و انس مبعوث گردانید تا آن سیدالمرسلین ارشاد و هدایت ثقلین نماید. ((غفاری مازندرانی، نظام‌الدین احمد، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۳)



## ۳-۵- تعدادی از جن‌ها قبل از اسلام به دین حضرت موسی و عیسی علیهم‌السلام ایمان داشتند

در سوره شریفه‌ی احقاف آمده است:

«قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ» گفتند ای طایفه‌ی ما (گروه جنیان) ما آیات کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده بود درحالی‌که کتب آسمانی تورات و انجیل را که در مقابل او بود به‌راستی تصدیق می‌کرد و خلق را به‌سوی حق و طریق راست هدایت می‌فرمود. (احقاف/۳۰)

از این آیه معلوم می‌شود که جنیان به ادیان موسی و عیسی علیهم‌السلام ایمان داشتند و به احکام موجود در کتب آن‌ها عمل می‌نمودند چون آن گروهی که برای شنیدن آیات قرآن کریم نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رفته بودند هنگام بازگشت بقیه را نصیحت کردند و گفتند: ما دیدیم که در برابر پیامبر تورات و انجیل بود و او آن‌ها را تصدیق می‌نمود. این جمله ثابت می‌کند که آن‌ها شناخت کافی از این کتب آسمانی داشتند و سپس هنگام شنیدن سخنان حق پیامبر به او ایمان آوردند.

### ویژگی ششم: دارای حشرونشر و معادند:

«فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ»: «در آن روز هیچ کس از انس و جن از گناهش سؤال نشود.» (الرحمن/۳۹)

بعضی گویند در این روز از گناه انس و جن سؤال نمی‌شود یعنی سؤال استفهامی نمی‌شود تا این‌که معلوم شود و گناه‌کار به‌وسیله‌ی پرسش شناخته شود، برای آن‌که خداوند متعال تمامی اعمال را احصاء نموده و بر بندگانش حفظ کرده، البته می‌پرسند، سؤال توییح کردن و سرزنش نمودن برای محاسبه است.

از حضرت رضا علیه‌السلام روایت شده که فرمودند:

در آن روز از جن و انس نمی‌پرسند و معنا این است که کسی که معتقد به حق و ولایت اهل بیت و امامت امامان معصوم علیهم‌السلام است و گناهی مرتکب شده و در دنیا توجه نکرده، در برزخ عذاب می‌شود و در قیامت از قبرش بیرون می‌آید درحالی‌که بر او گناهی نیست تا از او سؤال شود.

(طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، ج ۲۴، ص ۱۰۱)





همچنین درباره آیه «وَأَمَّا الْفَاسِقُونَ فَكَانُوا لِحَبَّتِهِمْ حَطْبًا»: «و اما بیدادگران پس دوزخ را همیشه باشند.» (جن/۱۵) آمده است که: و اما منحرفین هیزم جهنم هستند، و در دوزخ با سوختن معذب می‌شوند، جانشان مشتعل می‌گردد؛ عیناً نظیر منحرفین از انس که قرآن کریم آتش‌گیرانه‌ی دوزخشان خوانده و فرموده: «فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ» (بقره/۲۴) (طباطبایی، محمدحسین، ج ۳۹، ص ۲۰۲-۲۰۳)

در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است که فرمود: "خداوند جن را پنج صنف آفریده است: صنفی مانند باد در هوا (ناپیدا هستند) و صنفی به‌صورت مارها، و صنفی به‌صورت عقرب‌ها، و صنفی حشرات زمین‌اند و صنفی از آن‌ها مانند انسان‌اند که بر آن‌ها حساب و

### عقاب است." (قمی، عباس، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۸۶) **ویژگی هفتم: برخورداری از قدرت نفوذ در آسمان‌ها و خبرگیری و استراق سمع**

در آیه ۹ سوره جن آمده است: «وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَأَةً حَرَاسًا شَدِيدًا وَ شَهَابًا وَ أَنَا كَنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا»: «و ما آسمان را بسودیم (کنایه از این‌که به آسمان بالا رفتیم) پس آن را پر از نگهبانان نیرومند (فرشتگان) و شهاب‌ها یافتیم. و در [آسمان] برای شنیدن، به کمین می‌نشستیم، [اما] اکنون هر که بخواهد به گوش باشد، تیر شهابی در کمین خود می‌یابد.» (جن/۸-۹)

« قبلاً جنیان به‌سوی آسمان صعود می‌نمودند و اخبار آینده را از ملائکه می‌گرفتند و به ساحرین می‌آموختند، چون چنین می‌کردند خداوند راه آنان را بست و هر وقت اراده نمایند صعود کنند به تیر شهاب رانده می‌شوند.» (امین، نصرت، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۱۴۲)

«وَأَنَا لَا نَدْرِي أَسْرُؤُ أَرِيدُ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا»: «و ما نمی‌دانیم که آیا درباره کسانی که در زمین‌اند (آدمیان) بدی خواسته‌شده یا پروردگارت برای آن‌ها رهیابی (به نیکی و راه راست) خواسته است.» (جن/۱۰)

جنیان افزودند با این اوضاع و احوال ما نمی‌دانیم آیا این ممنوعیت از استراق سمع دلیلی بر این است که اراده‌ی شری برای مردم روی زمین شد یا خداوند می‌خواهد از این طریق آن‌ها را هدایت فرماید و به تعبیر دیگر ما نمی‌دانیم آیا این امر مقدمه نزول عذاب و بلا از سوی خداست یا مقدمه هدایت آن‌ها.

قابل توجه این است که آن‌ها در این جمله هدایت را به خداوند نسبت می‌دهند ولی شر را به صورت فعل مجهول بدون نسبت به خدا ذکر می‌کنند. (مکارم، ناصر، ج ۲۵، ص ۱۱۲)

از دو آیه فوق این معنا استفاده می‌شود که پر شدن آسمان از حارسان شدید اخیراً پیش آمده، و قبلاً چنین نبوده، بلکه جنیان آزادانه به آسمان بالا می‌رفتند، و در جایی که خبرهای غیبی و سخنان ملائکه به گوششان برسد می‌نشستند. و از ذیل آیه که با "فاء" تفریع فرموده "فمن ... و ذیل آیه را متفرع بر همه مطالب گذشته نموده، استفاده می‌شود که جنیان خواسته‌اند بگویند از امروز هر کس از ما بخواهد در آن نقطه‌های قبلی آسمان به گوش بنشیند، تیرهای شهابی در امتحان آید که بابت خلصو جنیبتشیر ایشان سستی گنویر کند از جنیان که بین یک‌دیگر جادنه آسمانی برخوردند، حادثه‌ای جدید که مقارن با نزول قرآن و بعثت خاتم الانبیاء ﷺ رخ داده، و آن عبارت از این است که با بعثت آن جناب، جنیان از تلقی اخبار غیبی آسمانی و استراق سمع برای به دست آوردن آن ممنوع شده‌اند. (طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۶۱، ج ۲۰، ص ۶۶)

و در اخبار آمده که جن پیش از عیسی علیه السلام تا زیر عرش بالا می‌رفتند و پس از بعثت او تا آسمان چهارم بالا می‌رفتند، و پس از بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله از رفتن به آسمان به وسیله شهاب‌ها ممنوع شدند و صعود آن‌ها یا از درهایشان بوده یا چون لطیف‌اند در جرم آن‌ها نفوذ می‌کردند. (مجلسی، محمدباقر، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۸۴)

در «تفسیر صافی» در سوره «جن» از احتجاج از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده: این ممنوعیت برای آن بود که در زمین چیزی مانند وحی از خبر آسمان نباشد و آنچه از جانب خداوند آمده باشد، ملتبس نگردد. (صافی، محسن، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۳۵)





## ویژگی هشتم: پناه بردن برخی انسان‌ها به آنان موجب افزایش گنه‌کاری آنان

«وَ أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْأُنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا» (و همانا مردانی از آدمیان به مردانی از پریان پناه می‌برند پس بر سرکشی و گنه‌کاری آن‌ها (پریان) افزودند. (جن/۶۱))  
در تفسیر مجمع‌البیان آمده است:

مراد از پناه بردن انس به جن - به طوری که گفته‌اند: این است که در عرب رسم بوده که وقتی در مسافرت در شب به بیابانی برمی‌خوردند از شر جانوران و شر سفیهان جنی به عزیز آن بیابان که سرپرست جنیان است پناه می‌بردند و می‌گفتند: من پناه می‌برم به عزیز این وادی از شر سفهای قومش. و این برحسب اعتقاد آن‌ها بود که اگر چنین کنند جن آن‌ها را حفظ می‌کند. مقاتل گوید: اول کسیکه به جن پناه برد قومی از یمن بودند، سپس بنوحنیفه پناه بردند، آنگاه در میان عرب شیوع پیدا کرد. (طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۳۷۳)

## ویژگی نهم: برخوردار شدن از قدرت بسیار

در آیه شریفه ۳۹ سوره نمل درباره یکی از جنیان دربار حضرت سلیمان علیه السلام به بهره‌مندی وی از قدرتی بسیار اشاره نموده و می‌فرماید: «قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ...»: «دیوی از پریان گفت: من آن را پیش از آن‌که از جای خویش برخیزی نزد تو آورم و من بر این کار نیرومند و امینم.» (نمل/۳۹)

عفریت مأخوذ از عفر است و جمعش عفرایت است یعنی دیو پلید سرکش از جنیان گفت: پیش از این‌که تو از مجلس حکومت خود برخیزی من تخت را نزد تو حاضر می‌نمایم. (بانو امین، نصرت، ۱۳۵۳، ج ۹، ص ۳۳۹)

و من به آوردن آن نیرومند و امینم، نیرومند بر آنم و حمل آن خسته‌ام نمی‌کند، امین بر آنم و در آوردنش به تو خیانت نمی‌کنم. (طباطبایی، محمدحسین، ۱۵، ۱۳۶۱/۵۱۷)

ویژگی دهم: بهره‌مندی از قدرت انجام بعضی کارهای مورد نیاز انسان

یکی از نعمت‌های خداوند متعال به پیامبر خود حضرت سلیمان علیه السلام این بود که علاوه بر بسیاری از آدمیان، جن و شیطان و حتی پرندگان و وحوش در اختیار و تسخیر او قرار داشتند و زبان همه آن‌ها را می‌فهمید و به راحتی با آنان صحبت می‌نمود. قرآن کریم می‌فرماید:

« وَ حَشْرٍ لِّسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ » سپاهیان سلیمان، از جن

و آدم و پرنده، گرد آورده شده و آنان دسته‌دسته شده بودند. (نمل/۱۷)

«... وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ... يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ

جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ...»:

گروهی از جن (پیش روی سلیمان) به اذن پروردگار کار می‌کردند... و برای او آنچه می‌خواست از نمازگاه‌ها و تندیس‌ها و کاسه‌هایی به اندازه حوض‌ها و دیگ‌های بزرگ پابرجا و

استوار می‌ساختند. (سبا/۱۲-۱۳)

در تفسیر مجمع‌البیان چنین آمده است:

«ما مسخر کردیم برای او از جنیان افرادی که در حضور او و پیش روی او آنچه که او ایشان را فرمان می‌دهد از کارها انجام دهند، چنانچه انسان در جلو دست انسانی کار می‌کند. به امر پروردگار تعالی و سلیمان ایشان را دستور داد که از او اطاعت در آنچه فرمائش می‌دهد نمایند و در این آیه دلالت است که در میان جنیان افرادی بودند که تسخیر او نشده بودند.» (طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، ج ۲۰، ص ۲۲۵)

همچنین در آیه ۸۲ سوره انبیاء آمده است که: «وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَ يَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَ كُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ» برخی از شیطان‌ها برای حضرت سلیمان غواصی می‌کردند و کارهای دیگری جز این انجام می‌دادند، و ما نگاهبان آن‌ها بودیم.

امامان معصوم علیهم السلام که به اذن خداوند، قدرت تصرف بر هر چیزی را دارند، بر جنیان نیز مسلط هستند. در تاریخ زندگانی ائمه علیهم السلام موارد متعددی در این مورد به چشم می‌خورد. گاهی نیز خود جنیان برای انجام خدمت و کمک اعلام آمادگی می‌نمودند، و پرسش‌های دینی و مشکلات خود را با مراجعه به امام برطرف می‌کردند، زیرا امام برای گروه جن نیز امام است.

سدیر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود: ما خدمتکارانی از جن داریم وقتی کاری فوری

داشته باشیم آن‌ها را مأمور می‌کنیم. (کلینی، محمد، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۴)





## ویژگی یازدهم: جنسیت و اولاد

آنچه از قرآن کریم برداشت می‌شود این است که گروه جن نیز مانند انسان‌ها تولیدمثل می‌نمایند و دارای مذکر و مؤنث هستند. اما این مسئله که آیا تولیدمثل آن‌ها نیز مانند انسان‌ها است یا خیر، از آیات شریفه، چیزی برداشت نمی‌شود. به‌عنوان مثال خداوند متعال تصریح می‌فرماید که شیاطین دارای فرزند می‌باشند. آنجا که می‌فرماید:

«أَفْتَنَّا ذُنُوبَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي»: «آیا شما مرا فراموش کرده و شیطان و فرزندان را دوست خود گرفتید؟» (کهف/ ۵۰)

و یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید که: «لَمْ يَطْمِئِنُّنَّ إِنْسُ قَبْلَهُمْ وَ لَا جَانٌّ»: «حوریان بهشتی را قبل از شوهرانشان، نه آدمی و نه جن دست زده است.» (الرحمن/ ۵۶)

علامه طباطبایی معتقد است که با توجه به آیه ۵۰ سوره کهف و همچنین آیه ۲۱ سوره فصلت که نسبت مرگ‌ومیر به آن‌ها داده و فرموده: " قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ " می‌توان فهمید که تناسل در میان جن نیز جاری است، زیرا معهود و مألوف از هر جاننداری که ذریه و مرگ‌ومیر دارد، این است که تناسل هم داشته باشد. (طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۶۱، ج ۱۲، طبع ۱۳۶۳) مشخص نیست که آیا آمیزش جن هم مانند آمیزش انسان‌ها است یا خیر؟ ابن عربی در کتاب «الفتوحات المکیه» گفته است: «تناسل بشر به‌صورت القای آب نطفه در رحم است، و تناسل جن به القای هوا در رحم انثی می‌باشد.»

روایاتی نیز در این رابطه در دست می‌باشد که از جمله آن‌ها بخشی از وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام است که فرمودند: «ای علی در شب اول، وسط و آخر ماه آمیزش مکن زیرا جنیان در این سه شب برای مقاربت پیش زنان خود می‌روند...» (حر عاملی، محمد، ۱۴۰۹، ص ۹۱). به‌رحال از مجموع آیات قرآن کریم و روایاتی که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است می‌توان استفاده نمود که جن‌ها نیز مانند انسان‌ها تولیدمثل کرده، دارای فرزندان مؤنث و مذکر می‌باشند.

در تبیان آورده که در بعضی اخبار دیگر آمده است: «چون حق تعالی ابلیس را از رحمت خود دور گردانید از پهلوی چپ وی زوجه وی را که «اره» نام دارد بیافرید و او را بشمار ریگ‌های بیابان فرزندان‌اند و از اولاد او یک «مره» است و دیگری «لاقیس» و یکی دیگر «ولهان» و در عین‌المعانی آورده است که «لاقیس» موسوس طهارت است و «ولهان» موسوس صلاه و بعضی برعکس گفته‌اند، و



احمد غزالی در اربعین آورده که شیطان مانع نماز است و «زنبور» یکی از اولاد اوست که صاحب «سواق» است که به دروغ‌گویی و کم‌فروشی و خیانت وسوسه می‌کند و یکی دیگر «اعور» ارباب زن‌هاست و «ثبیر» صاحب مصائب که به ثبور و نوحه و شق حبیب و لطم خدّ، امر می‌کند و «مسوط» صاحب اراجیف است و «داسم» که با خورنده طعامی می‌باشد که او بسم‌الله نگفته باشد. در خوردن با او شریک می‌شود و «مدهمش» موکل علماست که ایشان را بر هوای مختلفه می‌دارد و «داسم» و او مانع مرد است که به سرای رود و سلام کند و نام خدا برد در وقت طعام. «رجالی تهرانی، علیرضا، ص ۱۰۰-۱۰۲»

درباره مذکر و مؤنث بودن طایفه‌ی جن در قرآن می‌خوانیم:

«وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا» (جن/۶)

از این آیه استفاده می‌شود که طایفه‌ی جن نیز مرد و زن دارند زیرا در آن تعبیر به «رجال من الجن» شده است.

در تفسیر «گازر» آمده است: کسانی که به قرآن خواندن پیامبر گوش فرا دادند نه کس از جنیان بودند. مفسران گفته‌اند که این نه کس نصیبین که گوش با قرآن خواندن کردند. ابوحمزه ثمالی گفت: از جنیان بنوالشیبسان (قبیله‌ای از پریان یا دو قبیله است از آن و نام دیوی) بودند و ایشان گروهی‌اند که از ایشان به عدد بیشتر کسی نیست و عامه لشکر ابلیس از ایشان باشند. (الجرجانی، حسین، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۸۲-۱۸۳)

در قرآن کریم آیاتی آمده است که اثبات می‌کند شیطان دارای قبیله و لشکر می‌باشد، از آیه کریمه قرآن درباره ابلیس دو نکته استفاده می‌شود: «یکی این است که لشکریان او در کندی و تندی در عمل همه مثل هم و برابر نیستند، بعضی کند هستند، به شهادت این‌که در جمله: «وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ»

(اسراء/۶۴) بعضی از لشکریان او را سواره و بعضی را پیاده معرفی کرده است. نکته دیگر این‌که لشکریان او از جهت اجتماع و انفراد در عمل نیز مختلف‌اند. بعضی‌ها تنها کار می‌کنند و بعضی‌ها به کمک یکدیگر کاری را پیش می‌برند؛ به دلیل آیه «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ» (مؤمنون/۹۸)



## نتیجه:

با دقت در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام مشخص می‌شود که مقوله جن، یک پیشینه تاریخی - فکری، قبل از اسلام داشته است، اما قرآن کریم و روایات، با رویکرد خاص خویش، از یک سو هدف مشترک از خلقت جن و انس را مطرح می‌کند و از سوی دیگر با تأکید بر ویژگی‌های او، ذهنیت‌ها، باورها، عقاید و فرهنگ‌های موجود در مورد آن را اصلاح می‌کند. جن از منظر قرآن و روایات شبیه‌ترین موجودات به انسان است ولی به دلیل این‌که عنصر اولیه خلقت جن با انسان متفاوت است، تفاوت‌هایی با انسان دارند. آن‌ها قبل از انسان که از خاک آفریده شده است، از جنس آتش خلق شده‌اند. به همین جهت آن‌ها از ویژگی‌های خاصی مانند غیرمرئی بودن و سرعت، بهره‌مند هستند. همچنین به واسطه قدرتی که دارند می‌توانند در آسمان و زمین به اشکال مختلف ظاهر شوند ولی آن‌ها مسخر انسان می‌گردند. همچنین موجودی دارای اختیار، ادراک، علم، مسؤولیت و تکلیف است؛ بنابراین برای انتخاب راه صحیح نیازمند پیامبر است و از آنجاکه برای آنان، امکان برقراری ارتباط و تماس با انبیاء و اوصیاء وجود داشته است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر جن‌ها نیز مبعوث شدند. در بین جن‌ها دین، مذهب و فرقه وجود دارد و آن‌ها مانند انسان مؤمن و کافر دارند. آن‌ها دارای دو جنس مؤنث و مذکر هستند، تولیدمثل می‌کنند و ذریه دارند همچنین آن‌ها دارای مرگ، معاد و حساب و کتاب اخروی هستند. به دلیل این‌که؛ قصه حضرت سلیمان در قرآن و خدمت کردن برخی از جن‌های مؤمن برای پیامبران، امامان و افراد برگزیده در برخی روایات نمایانگر فرمان‌برداری آن‌هاست. در حقیقت خداوند متعال ضمن بیان وجوه تشابه در خلقت جن و انسان و هدف از این خلقت، بر دو نکته تأکید فرموده است: ۱. جن نیز مانند انسان مخلوق خداوند است، لذا قابل پرستش نمی‌باشد. ۲. جن از ویژگی‌هایی بهره‌مند است که انسان فاقد آن‌ها می‌باشد، لکن این ویژگی‌ها، کمال واقعی شمرده نمی‌شوند، بلکه این انسان است که با کسب مقام خلیفه‌اللهی می‌تواند به نهایت کمال دست یابد.



## فهرست منابع و مؤاخذ

قرآن کریم

- ۲- الجرجانی، ابوالمحاسن الحسین بن الحسن، تفسیر گازر جلاءالاذهان و جلاءالاحزان، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۳- امین، نصرت، مخزنالعرفان در علوم قرآن، اصفهان ۱۳۵۳ ش.
- ۴- راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریبالقرآن، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ۵- رجالی تهرانی، علیرضا، جن و شیطان تحقیقی قرآنی، روایی و عقلی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ۶- صدوق، امالی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ ق.
- ۷- ۱۴ - صدوق، عبون الاخبار، مؤسسةالعلمیالمطبوعات، بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۸- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران، ۱۳۶۱.
- ۹- طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، احتیاج، ترجمه جعفری، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمعالبیان، تهران، ۱۳۶۰.
- ۱۱- طریحی فخر الدین، مجمعالبحرین، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۲- طیب، عبدالحسین، اطیبالبیان فی تفسیرالقرآن، تهران، ۱۳۶۱ ش.
- ۱۳- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، ناشر کتابخانه صدوق، تابستان ۱۳۶۵ ش.
- ۱۴- فخر رازی، تفسیر کبیر فخر رازی، الطبعةالثانیة، الناشر دارالکتب العلمیه، طهران.
- ۱۵- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۶- قمی، عباس، سفینهالبحار، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۷- کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین، تهران، ۱۳۴۴ ش.
- ۱۸- کلینی رازی، ابو جعفر محمد ابن اسحاق، اصول کافی، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ بی تا.
- ۱۹- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
- ۲۰- محمدی ری شهری، محمد، میزانالحکمه، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۱- مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، نمونه، تهران، ۱۳۷۴.
- ۲۳- ملاصدرا، مفاتیحالغیب، ترجمه خواجوی.
- ۲۴- میرزا خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران، ۱۳۹۰ ق.
- ۲۵- مجلسی، محمدباقر، ترجمه کتاب السماء و العالم بحارالانوار، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران، ۱۳۵۱.
- ۲۶- نسفی، ابو حفص نجمالدین محمد، تفسیر نسفی، تهران، ۱۳۶۷.

